

تالیف م. شرف‌الدین یالاقایا

ترجمه دکتر خیامپور

نشریات ترکیه

(بقیه از سال سوم نشریه، ص ۴۶۰)

کلمات و اشعار ترکی مولانا

بخش دوم

(اشعار و مصراعهای ترکی)

مترجم گویند صاحب مقاله، در این بخش ۱۷ قطعه شعر از مولانا نقل کرده است ولی چون مقصود ما از نشر کلمات و اشعار ترکی مولانا آن است که در توضیح معانی بعض اشعار و عبارات فارسی وی کمکی بکنند از اینرو از نقل قطعه‌های ۱، ۳، ۴، ۶ و ۱۰ (۱) که بکلی ترکی بود صرف نظر کردیم و اینک بقیه را ذیل درج مینمائیم:

(۱) - این پنج قطعه شعر ترکی مجموعاً ۳۰ بیت است: قطعه اول ۲۲، سوم ۲، چهارم

نیز ۲، ششم ۱ و دهم ۳ بیت. قطعه اول که بالین بیت شروع میشود:

اوصوڪ (ussn) وارسای عاقل آلدانما گیل زنهارمالا

شول نسنه‌یه که سن قویوب‌گیده ساک اول بوندا قالا

(یعنی: ای عاقل اگر عقل داری زنهار فریب مال را مخور، مالی که تو میگذاری

و میگذری او در اینجا میماند)

چنانکه صاحب مقاله میگوید از مجموعه کوچکی نقل شده که حاوی دو کتاب خطی است یکی کتاب نحو «اللامع» تالیف ابن‌جنی (متوفی در ۵۳۹۲ هجری) از علمای معروف نحو که بسال ۴۵۰ هجری نوشته شده و دیگر کتاب نحو «المقتدا» و قطعه مزبور بر روی برگه‌ای که آخر کتاب اول و اول کتاب دوم را تشکیل میدهد بعنوان «لکاتبه» نوشته شده و علاوه بر آنکه از مولانا است دستخط خود او هم هست. صاحب مقاله گوید این مجموعه سابقاً در دست اسمعیل صائب افندی مدیر کتابخانه عمومی بود ولی فعلاً در تصرف کسی دیگر است.

ما برای اینکه صحت و سقم انتساب این قطعه را به مولانا بفهمیم چندی پیش نامه‌ای در

این باب بصاحب مقاله نوشتیم ولی افسوس که نامه را برگردانده و روی آن نوشته بودند که

صاحب نامه وفات یافته است.

قطعه دوم

ما هست نمیدانم خورشید رخت یانه

(۱) بو آیری لیق او دونه (۲) نیجه جگری یانه (۳)

مردم زفراق تو مردم که همه داند

عشق او دی نهان اولماز یانار دوشیچک (۴) جانه (۵)

سودای رخ لیلی شد حاصل ما خیلی

مجنون بیگی (۶) و او یلی اولدوم گنه دیوانه (۷)

صد تیرزند بردل آن ترک کمان ابرو

فتنه لو الا (۸) گوزلر چون او بخودان او یانه (۹)

ای شیخ شجاع الدین شمس الحق تبریزی

رحمتدن ا-ر نولا (۱۰) بیر قطره بیزه تازده

(ح. عالی وح. توفیق، تورک ادبیاتی نمونه لری، ص ۱۳۶ - ۱۳۷)

قطعه پنجم

یوزوک ای یار روحانی و یریر عیسی بیگی جانی

سنیک اول ایلکوک (۱۱) قانی (۱۲) اگر من متهم باشم (۱۳)

(۱) - عبارات و مصراعهای ترکی در اصل مقاله بحروف لاتین نوشته شده بود. ما

آنها را بخط فارسی برگردانده باحروف سیاه نوشتیم. علاوه بر آن در اصل مقاله عبارات فارسی بترکی ترجمه شده بود، ما در اینجا برعکس عبارات ترکی را بفارسی ترجمه کردیم (مترجم).

(۲) - oduna

(۳) - بآتش این هجران چگونه جگرش بسوزد.

(۴) - düsicek

(۵) - آتش عشق پنهان نمیشود، نار جان افتاد میسوزد.

(۶) - «بیگی» (bigi) همان «کبیبی» امروزی است که بمعنی «مانند» باشد.

(۷) - و او بلا که باز مانند مجنون دیوانه شدم.

(۸) - ela

(۹) - وقتیکه چشمان سیاه فتنه انگیز از خواب بیدار شوند.

(۱۰) - ne ola = nola . یعنی چه میشود؟

(۱۱) - eylügün = نکوئیت

(۱۲) - روی تو ای یار روحانی، مانند عیسی جازمی بخشد؛ آن نکوئی تو کجاست...

(۱۳) - ماخذ این بیت در اصل مقاله ذکر نشده است.

قطعه هفتم

بصلح آمد آن ترک تند و عربده جو

(۱) گرفت دست مرا گفت تاگری یاریغاسین

قطعه هشتم

دانی که من زعالم بالگوز سنی سورمن (۲)

(۳) گر در برم نیایی اندر غمت ثولرمن

من یار باوفا بمرمن جفا قیلورسک (۴)

(۵) گر تو زمن نپرسی من خود سنی صورارمن

روی چوماه داری من ساده دل از آنم

(۷) زان شکر لبانت بیرئوپکینه (۶) تیلارمن

تو همچو شیرمستی مینوم قانیم ایچرسک (۸)

(۹) من چون سگان کویت دنبال تو گزرمن

فرمای غمزات را تاخون من نریزد

(۱۱) ورنه سنیک الیگدن (۱۰) هینک یارغو یازارمن

هردم بنخشم گویی بار (۱۳) گیت هنیم قاتیمدان (۱۴)

(۱) - Tanri yarligasin یعنی خدا ببخشد . مأخذ این بیت نیز در اصل

مقاله موجود نیست .

(۲) - یعنی تنهانرا دوست دارم . و امروز بجای «سورمن» (severmen) «سوریم»

(severim) گویند؛ و همچنین است دیگر فعلها که در قوافی این قطعه است مانند «ثولرمن»

و صورارمن و غیر آنها .

(۳) - میبرم .

(۴) - (kilursen) یعنی میکنی

(۵) - (seni sorarmen) یعنی ترا میپرسم .

(۶) - öpkine = بوسه

(۷) - يك بوسه میخواهم .

(۸) - خون مرا میآشامی .

(۹) - گردش میکنم .

(۱۰) - senin elinden

(۱۱) - از دست تو هزار دعوی مینویسم (میکنم)

(۱۲) - «بارماق» بمعنی «رفتن» است .

(۱۳) - از نزد من برو .

من روی سخت کرده نزدیک تو ۴لر من (۱)
روزی نشسته خواهم یالگوز سنیك قاتلدا (۲)

هم من چاغر (۳) ایچر من هم من تییش (۴) بیلر من (۵)
ماهی چو شمس تبریز غیبت نمود و گفتا

از من دگر مپرسید من سویلدم (۶) یازار من (۷)
(دیوان ترکی سلطان ولد، ص ۱۵۳، ۱۵۴)

قطعه نهم

آیتدم (۸) بگیم (۹) ناگری ایچون بو بنده نی آزاد قیل
ئوپتور (۱۰) یری کوب (۱۱) سویلامه (۱۲) آخر چه نادانی است ابن.

(دیوان، ۱، ص ۶۱۸)

قطعه یازدهم

یاوحد بالجمال یا جانیمسك (۱۳)
از عهد من ای دوست مگر نادمسك (۱۴)

قد كنت تحبني فقل ناجيكسك (۱۵)

(۱) - می‌آیم.

(۲) - تنها در نزد تو.

(۳) - cagir = می‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

(۴) - tiyis شعر و غزل.

(۵) - هم من می میخورم و هم غزل میدانم.

(۶) - söyledim = گفتم

(۷) - من گفتم مینو بسم.

(۸) - söyledim = aytım به معنی گفتم

(۹) - beyim

(۱۰) - öptür

(۱۱) - kop به معنی زیاد

(۱۲) - گفتم آقای من ، برای خدا این بنده را آزاد کن ، زمین را بیوسان

و زیاد حرف مزین.

(۱۳) - canimsen = جان منی

(۱۴) - بشیمان هستی

(۱۵) - ناجيك هستی

والیوم هجرتی قفل سن کیه-ک (۴)

(رباعیات، استانبول، چاپ مطبعه اختر، ص ۲۹۴)

قطعه دوازدهم

ای ترک ماه چهره چه گردد که صبح تو

آبی بحجره من و گویی که گل برو (۴)

ای ارسلان قلیج (۴) مکش از بهر خون من

عشقت گرفته جمله اجزام موبو

بر مافسون بخواند گو کچک باقشاری (۴)

ای سیزدیشی تو سیرک و سیزدیش قانی بچو (۵)

(دیوان، ح (۶)، ص ۲۱۷)

قطعه سیزدهم (۷)

گفتم ز فضولی من ای شاه خوش و روشن

این کار چه کارست کوسنجر و کو قوطلو (۸)

مست است دماغ من خواهم سخنی گفتن

تاباشم من مجرم تاباشم یوزو قلو (۹)

(دیوان، ح، ص ۹۱)

قطعه چهاردهم

مرا یاریست ترک جنگجویی

که او هر لحظه از من یاغی بواغای (۱۰)

(۱) - نو که هستی؟

(۲) - gel beru یعنی پیش بیا

(۳) - ای شیر، شمشیر . . .

(۴) - gökcek bakislari یعنی نگاههای زیبای او

(۵) - Ey siz disi tü seyrekü siz dis kani bicu صاحب مقاله گوید

که معنی این مصراع را نفهمیدیم.

(۶) - حرف «ح» نماینده دیوان خطی است بشماره ۲۳۴ در کتابخانه «رضا پاشا»

که ذکر آن در ضمن مآخذ (ص ۲۹۲ - سال سوم نشریه) از قلم افتاده است (مترجم).

(۷) - در این قطعه مصراع با جمله ترکی نیست و فقط کلمه ترکی هست (مترجم)

(۸) - Kutlu

(۹) - yazuk به معنی گناه و «بازو قلو» به معنی گنهکار است (رجوع شود

بکاشغری، ج ۳، ص ۱۳)

(۱۰) - yagi bolgay یعنی دشمن میشود.

هر آن نقدی که جنسی دید بامن

ستاند او زمن تا چاغرا اولغای (۱)

بنوشد چاقر (۲) و آنکه بگوید

تلا لا تلا نرلم تلای

گل ای ساقی غنیمتدر بودم نی (۳)

که فردا کس نداند که نه بولغای (۴)

الا ای شمس تبریزی نض قیل (۵)

که عشقت آتش است و جسم مانی (۶)

(دیوان، د، ص ۶۷)

قطعه پانزدهم

رسید تر کم باچهره های گلوردی (۷)

بگفتمش چه شد آن عهد گفت اول وردی (۸)

بگفتمش که یکی نامه بدست صبا

بدادم ای عجب آورد گفت گوستردی (۹)

بگفتمش که چرا بیگه آمدی ای دوست

سیرتدی یولدا یولداشیم اردی (۱۰)

(دیوان، ح، ص ۳۶۴)

قطعه شانزدهم

شب همه شب تا بروز

آن پسر پینه دوز

(۱) - cagir olgay یعنی مست بشود.

(۲) - cakir به معنی می است.

(۳) - بیای ساقی، غنیمت است این دم را (کذا - مترجم)

(۴) - چه خواهد شد؟

(۵) - نظر کن

(۶) - به معنی «نای»

(۷) - گلوردی = گلگون

(۸) - ol verdi اگر بشکل ol vardi باشد به معنی «اورفت» خواهد بود.

(۹) - gösterdi یعنی نشان داد.

(۱۰) - seyirtti yolda yoldasim erdi. صاحب مقاله گوید که معنی این

مصراع را درست نفهمیدیم.

بانک زند چون خروس

اسکی پابوچ (۱) کیمده وار (۴)

(مجموعه ۴، ۳۴۹۳، برك b ۲۳۸، کتابخانه عمومی)

قطعه هفدهم

اگر کیدر (۴) قارینداش یوقسا یاووز

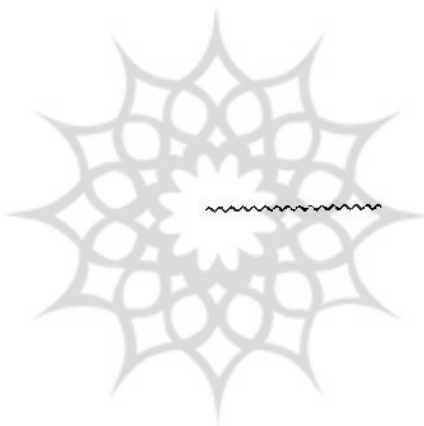
(۴) اوزون یولدا سگابودور قلاووز

چوبانی برك (۵) طوت قورتلار اوکوش (۶) در

(۷) ایشیت بندن قارا قوزوم قارا قوز

اگر تاساک وگر رومساک وگر تورک (۸)

زبان بیزبانان را بیاموز (۹).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

- (۱) - pabuc به معنی پاپوش و کفش است.
- (۲) - کفش کهنه که دارد؟
- (۳) - key؛ در اصل kez و ده ا ت. «گذآت» به معنی «چه اسب خوبی!» (رجوع شود به کاشفری، ج ۱، ص ۶۱، ۶۳ و ۲۷۰-۲۷۱).
- (۴) - برادر خواه خوب و خواه بد باشد، در راه دور برای تو راهنما او است.
- (۵) - berk در اصل bek بدون (r) است به معنی سخت و محکم (رجوع شود به کاشفری، ج ۲، ص ۱۹).
- (۶) - öküs به معنی بسیار است.
- (۷) - «قارا قوز» شاید مرخم «قارا قوزوم» باشد و معنی بیت چنین است:
- چوبان را محکم بگیر که گرگها بسیارند / از من بشنو بره سیاهم، بره سیاهم
- (۸) - خواه تات باشی، خواه روم و خواه ترک . . .
- (۹) - ماخذ این قطعه در اصل مقاله موجود نیست.